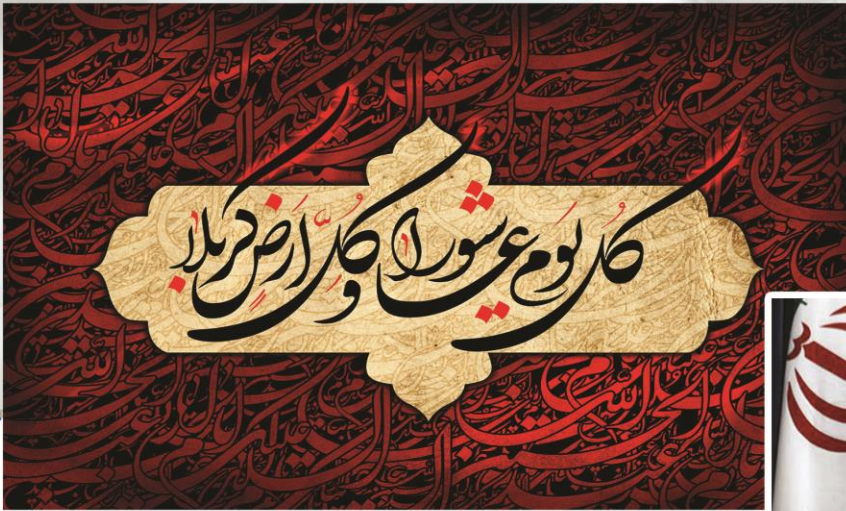




روز اربعین همه در منازل، دو سه زیارت مهم که وارد است را بفرمانند و نزد امام مسین(ع) شکوه کنند که ما دلمان می فواست بیاییم ولی نشد، تا ایشان نظری بکنند.
 گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۹/۰۶/۳۱



آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری
 رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو مجلس خبرگان رهبری

انقلاب اسلامی ادامه دهنده راه عاشورا و کربلا است

تبیین و روشن کرد و یک مدینه فاضله‌ای را در جلوی دیدگان آن‌ها قرار داد که آینده شما چه خواهد بود و طبیعتاً برای رسیدن به آن آینده علاوه بر اینکه به یارانش آن مدینه فاضله را نشان داد، به کسانی که بعد از عاشورا آمدند، مانند زمانه ما که مراسم عزاداری به پا می‌کنیم، به یاد عاشورا هستیم، به یاد قیام ابی عبدالله هستیم، حسین بن علی آن روز به ظاهر برای یارانش آینده را ترسیم کرد، مدینه فاضله را ترسیم کرد و به آن‌ها جهت داد در حقیقت تنها به آن‌ها جهت نداد، به ما هم جهت داد؛ و توضیح خواهم داد که چه جهت و چه مدینه فاضله‌ای را وجود مقدس حضرت ابی عبدالله (ع) در شب عاشورا در خطبه‌ای که برای یاران و اصحابش ایراد کرد، آن هم از زبان وجود مقدس امام باقر (ع) در اینجا بیان خواهم کرد که به یارانش چه بشارتی داد، چه صحنه‌ای را ترسیم کرد و در آنجا به دو نکته کلیدی و اساسی اشاره کرد.

یکی اتصال عاشورا به ظهور و اتصال ظهور به رجعت؛ یعنی این آینده روشن ممکن است فراز و فرود داشته باشیم، سختی داشته باشیم، مشکل داشته باشیم، اما بدانید سرانجام عاشورا به ظهور می‌انجامد، ظهور آن منجی امم، آن موعود امم و بعد از جریان ظهور، مسئله رجعت پیش عالم و در حقیقت شاهد عذاب کسانی خواهند بود، شاهد تنبیه کسانی خواهند بود و انتقام از کسانی خواهند گرفت که آن‌ها حادثه عاشورا را رقم زدند و در مقابل اردوگاه حسین بن علی (ع) ایستادند و به گونه‌ای ایستادگی کردند که حسین بن علی و یاران او و اصحاب او و فرزندان و برادران او به شهادت رسیدند و خاندان پاک و مطهر او به اسارت برده شدند.

من این جملات را از وجود مقدس امام باقر (ع) نقل می‌کنم؛ جملات بسیار جالبی است. می‌فرماید شب عاشورا حضرت اصحاب خود را جمع کرد؛ ما گاهی از بعضی خطبه‌ها سطحی عبور می‌کنیم اما از دل این خطبه‌ها می‌شود مطالب سازنده‌ای را استفاده کرد و بهره برد؛ بعد که اصحاب خود را جمع کرد و خبر کشته شدن خود و اصحابش را مطرح کرد؛ تعبیر حضرت این است که انکم تقتلون... همه شما فردا کشته خواهید شد؛ کسی از شما باقی نخواهد ماند. این بعد از آزمایشی است که از اصحابش به عمل آورد؛ ثبات قدم، ایستادگی قدم، در اصحاب دید، بعد حضرت این جملات را مطرح کرد. حضرت جایگاه آن‌ها را در بهشت به تک تک آن‌ها نشان داد؛ و حضرت فرمود ارفعوا رؤوسکم، وانظروا، سرهایتان را بالا کنید و تماشا کنید که جایگاه شما کجاست.

خطاب به یکی از یارانش گفت؛ هذا منزلک، یا فلان، و هذا قصرک یا فلان؛ این تعبیرات را حضرت در شب عاشورا بعد از آن آزمایش اصحاب که انی لا اعلم اصحابا او... فرمود؛ این جملات را مطرح کرد.

حالا کلماتی که وجود مقدس آقا امام باقر (ع) مطرح می‌کند، و ارتباط با مطلب ما، آینده‌نگری و آینده‌سازی دارد این جملات است؛
 ادامه در صفحه بعد

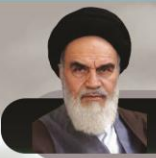
آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در اولین برنامه از سلسله نشست‌های تخصصی «در مدرسه عاشورا» که از سوی مدیریت آموزش حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت به صورت مجازی برگزار شد به موضوع «آینده نگری امام حسین (ع) در قیام عاشورا» پرداخت و گفت از ویژگی‌های مهم قیام ابی عبدالله و نهضت سالار شهیدان، ابی عبدالله (ع)، عبارت از آینده‌سازی و توجه به آینده است؛ این یکی از مسائل کلیدی و اساسی است که کمتر در رابطه با حادثه عاشورا به آن پرداخته شده است.

امروز دانشی در دنیا وجود دارد، تحت عنوان آینده‌پژوهی؛ این دانش آینده‌پژوهی دانشی است که به جای آینده‌بینی در جهت ساختن آینده و هدایت آینده تلاش می‌شود. گاهی ما آینده‌بینی و گاهی آینده‌پژوهی داریم؛ تفاوت خیلی بین این دو زیاد است؛ آنچه مورد و متناسب بحث ما است، آن نگاه به آینده و آینده‌سازی است؛ و حادثه عاشورا هم نگاه به آینده بود که از آن به آینده‌گرایی تعبیر می‌کنیم و هم جهت‌دهی به آینده است که در عین مسئله آینده‌پژوهی روی این موضوع تکیه می‌شود.

در آینده‌پژوهی کار مهمی که اتفاق می‌افتد و انجام می‌گیرد، خلق چشم‌انداز است؛ یعنی چشم‌انداز را می‌آفرینند و مورد توجه قرار می‌دهند و این مسئله بسیار مهمی است که در آینده‌پژوهی نقش و تأثیر بسیار فراوان دارد.

معنای چشم‌انداز، اینکه گفتیم خلق چشم‌انداز، معنای چشم‌انداز هم یعنی یک تابلویی را به مخاطب نشان می‌دهند و آن تابلو بیانگر آینده مطلوب است؛ پس بنابراین آینده‌پژوهی مورد تأکید است، در مقابل آینده‌بینی؛ و از دل آینده‌پژوهی آینده‌نگری و جهت‌دهی به آینده در می‌آید و معنای خلق چشم‌انداز هم یعنی نشان دادن آینده مطلوب و ما معتقد هستیم که حسین بن علی (ع) در روز عاشورا و قیامی که انجام داد این دو نکته را دنبال کرد؛ علاوه بر آن احساس مسئولیتی که در روز عاشورا کرد که پایان کار آن به ظاهر به شهادت آن حضرت انجامید اما حضرت، آینده‌نگر بود و جهت‌دهی ایجاد کرد نسبت به آینده مطلوب بنابراین لازم و ضروری است که آینده‌شناسی و آینده‌پژوهی را به منظور جهت‌دهی به چند چیز، به فرهنگ ما، در زمانه خود ما، به فناوری و نیروی انسانی ما، به اتخاذ سیاست‌های مناسب روی آن ملاحظه و بررسی کنیم؛ این جنبه‌ها را در سایه آینده‌پژوهی بتوانیم ببینیم.

نگاهمان به فرهنگ، نگاهمان به فناوری، نگاهمان به نیروی انسانی، نگاهمان به اتخاذ سیاست‌های مناسب. حالا برگردیم به عاشورا ما موقعی که به حادثه عاشورا با دقت نگاه می‌کنیم، آنچه که واقعا نگاه می‌کنیم در حادثه عاشورا این دو نکته برجسته از بیانات حضرت، کلمات حضرت، خطبه‌های حضرت، جملات حضرت، موضع‌گیری‌های حضرت به دست می‌آید، آینده‌نگری و آینده‌سازی روز عاشورا حضرت مسیر آینده را برای یاران خود



آیت‌الله سید هاشم مسینی بوشهری

رئیس جامعه مدرسین موزه علمی قم و عضو مجلس خبرگان رهبری

انقلاب اسلامی ادامه دهنده راه عاشورا و کربلا است

ابتدای مطلب از صفحه اول

ادامه سخنان آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در اولین برنامه از سلسله نشست های تخصصی «در مدرسه عاشورا» که به موضوع «آینده‌نگری امام حسین (ع) در قیام عاشورا» پرداختند.

قال لاصحابه ابشروا بالجنه، بشارت باد شما را به بهشت، فوالله، به خدای خدا قسم، انا نمکت ماشاء الله بعد ما یجری علینا؛ ما مدتی بعد از این جریان شهادت درنگ خواهیم کرد؛ خواهیم ماند تا اراده الهی چه زمان تعلق پیدا کند، بعد از این مکت و بعد خداوند ما را بیرون می‌آورد؛ ان الله یبعث من فی القبول، این تعبیر هست؛ یخرجننا

منتها این مربوط به قیامت نیست، این مربوط به رجعت است؛ ثم یخرجن الله، خدا ما را بیرون می‌آورد، و ایام، شما هم با من هستید، حتی یظهر قائمنا، تا اینکه قائم ما ظهور می‌کند، یعنی همان اشاره به جریان رجعت است، فینطق من الظالمین، آن حضرت از ستمگران انتقام می‌گیرد و من و شما این‌ها را در قل و زنجیر می‌بینیم؛ یعنی آن منتقم واقعی که ما می‌گوییم وجود مقدس حضرت بقیه الله است، حضرت اشاره به آن منتقم واقعی می‌کند که او از ستمگران و ظالمان انتقام می‌گیرد. از حضرت سؤال کرد که این که شما فرمودید قائم ما ظهور می‌کند، آن کسی که قیام می‌کند از شما اهل بیت کیست؟ حضرت شناسنامه وجود مقدس حضرت بقیه الله را آنجا ترسیم می‌کند؛ قال السابع من ولد ابی محمد بن علی الباقر، هفتمین فرزند، از فرزندان امام باقر (ع) است و بعد می‌گوید او حجت‌بن الحسن (ص) است.

خب آن قائم چه ویژگی‌هایی دارد؟ مدتی طولانی در غیبت به سر می‌برد، بعد ظاهر می‌شود، یعنی ظهور می‌کند، و زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از اینکه زمین پر از ظلم و جور شده باشد. این فرمایشی است که وجود مقدس امام باقر (ع) درباره صحنه شب عاشورا و خطبه حضرت نسبت به یاران و اصحابش مطرح می‌کند.

در واقع حضرت بزرگترین پیش‌گویی را در اینجا مطرح می‌کند؛ یعنی بازگشت، بزرگترین پیش‌گویی یعنی بازگشت؛ ایام رجعت و همچنین این پیش‌گویی درباره رجعت، درباره انقلاب جهانی مهدی (عج) است؛ یعنی اصل ظهور در نقطه پایانی آن، بحث رجعت مطرح می‌شود که حضرت می‌فرماید من و شما آنجا باز خواهیم گشت، به این دنیا؛ و وجود حضرت بقیه الله از دشمنان ما انتقام خواهد گرفت.

معنای این آینده‌نگری یعنی چه؟ شب عاشورا حضرت آن بیان را مطرح می‌کند، بیان این مطلب یعنی اینکه، در یک جمله می‌توانم خلاصه کنم که، چراغ مبارزه با طاغوت همواره روشن است و



و جریان باطل، به اینکه مزمحل خواهد شد و از بین خواهد رفت؛ پرچم حق در طول تاریخ برافراشته خواهد شد یعنی عاشورا مبدأ هست برای یک مقصد، مبدأ عاشورا است و مقصد ظهور است و پس از ظهور جریان رجعت؛ یعنی این چراغ مبارزه با طاغوت و باطل همیشه روشن نگه داشته خواهد شد. و نشان می‌دهد که وجود مقدس حضرت ابی عبدالله الحسین، این نکته مهم است، که بر لحظه آینده اشرف دارد و آن نقطه پایانی را نشانه گرفته است؛ آینده‌نگری منتهی صرف آینده‌نگری نیست، آینده‌سازی هم هست؛ موقعی که ما آینده را درست برای افراد ترسیم کنیم، افراد خود را برای رسیدن به آن آینده آماده می‌کنند.

یعنی ساز و کار آماده شود، امکانات بسیج شود، اراده‌ها استوار شود تا در نتیجه افراد بتوانند به آن نقطه کلیدی و اساسی برسند.

وجود مقدس حضرت بقیه الله در این بیان روشن که در خطبه شب عاشورا مطرح کردند برای یارانش این مسأله را ترسیم کرد و برای تمام حسینیان تاریخ؛ عزیزی که در مراسم عزاداری ابی عبدالله در سال ۱۴۰۰ شرکت می‌کنید، شما حسینیان تاریخ هستید؛ یعنی ادامه دهنده آن راه زیبا و نورانی هستید که انما مخاطب حسین بن علی در شب عاشورا هستید که حضرت آن آینده را برای شما نوید می‌دهد، منتها برای رسیدن به آن آینده روشن، یعنی ظهور، آن مدینه فاضله، آن رجعت، لازم‌هاش این است که شما خود را آماده کنید، با کاروان حسینی خود را پیوند بزنید و در مقابل جبهه دشمن و دشمنان ایستادگی کنید.

من همینجا یک گریز بزنم، این انقلاب ما ادامه راه عاشورا است، ادامه راه کربلا است، و اگر می‌بینید که امروز دشمنان در مقابل انقلاب ما سنگ‌اندازی می‌کنند که متصل به انقلاب ابی عبدالله است، همان سنگ اندازی‌هایی است که یزید و یاران یزید در مقابل حسین بن علی انجام دادند حسین بن علی پایان راه خود و یارانش را آنگونه ترسیم می‌کند، پایان راه حسین بن علی بعد از هزار و چند سال هم همان خواهد بود که به ظهور متصل خواهد شد و بعد از ظهور هم حسین بن علی می‌فرماید که با یارانم به آنجا باز خواهیم گشت.

این نوع آینده‌نگری خیلی جالب است؛ این نوع آینده‌نگری در حقیقت ساختن آینده است؛ یعنی لحظه لحظه زندگی بشر را حسین بن علی (ع) می‌تازد؛ چگونه قدم برداریم، چگونه حرکت کنیم، چگونه سخن بگوییم، چگونه قیام کنیم، چگونه سبک زندگی خود را تنظیم کنیم تا به آن نقطه اوج برسیم و نقطه پایانی در حقیقت از آن طرف هم بشارت می‌دهد که دشمن نابود می‌شود، ممکن است که روز دشمن سر بلند کند، ممکن است کر و فری هم دشمن داشته باشد، اما آن تغییر مثبت، تحت ولایت و رهبری امام معصوم در ساز آن آینده‌نگری و رفع یاران حسین بن علی رقم خواهد خورد؛ این کر و فرهای دشمن به جایی ره نخواهد برد. چند روزی ممکن است، اما پایان راه آن راه زیبا است؛ بنابراین نکته جالبی می‌خواهم خدمت شما عزیزان گرامی می‌خواهم بگویم؛ عاشورا نه تنها نقطه آغاز برای آینده‌نگری است که نقطه مقصد هم هست؛

برای آن مدینه فاضله، چون ظهور حضرت بقیه الله الاعظم در ظهر عاشورا نسبت به ظهور نوید می‌دهند و ظهور هم که مقصد هست در روز عاشورا اتفاق خواهد افتاد و بعد جالب این است که وجود مقدس حضرت مهدی (عج) این جدی الحسین قد قتل عشاننا همان روزی که قیام می‌کند و به کعبه تکیه می‌دهد، این جمله بلند را مطرح می‌کند؛ یعنی این پیوستگی بین عاشورا در روزی که حسین بن علی (ع) به شهادت رسید و ظهور عاشورایی که آن حضرت ظهور خواهد کرد، این ظهور انجام خواهد شد.

این هم ویژگی قیام ابا عبدالله الحسین است.

پس حسین بن علی هم ایجاد امید می‌کند، هم شوق به شهادت را ایجاد می‌کند و تمام کسانی که در طول تاریخ به شهادت رسیدند برای دستیابی به آن مدینه فاضله‌ای است که حضرت در ضمن چند جمله کوتاه در جمع یاران و اصحابش در شب عاشورا ترسیم کرده است؛

جالب است، تعبیر امام باقر (ع) صحنه ظهور حضرت را مطرح می‌کند که روز عاشورا اتفاق می‌افتد، امام باقر می‌فرماید که گویا آن حضرت را می‌بینم؛ یعنی وجود مقدس حضرت مهدی (عج) که روز عاشورا هر قدر بین رکن و مقام ایستاده است، و جبرئیل پیش روی اوست و حضرت صدا می‌زند الا یا اهل العالم انا المهدی؛ من مهدی هستم؛ و بعد آن جمله‌ای که عرض کردم.

یاد تشنگی و عطش ابی عبدالله الحسین می‌کنیم، عرض کردم هم ایجاد امید می‌کند و هم ایجاد شوق می‌کند و این خون حسین بن علی، این قیام حسین بن علی، این عاشورای حسین بن علی که از عاشورا شروه می‌شود، تا ظهور می‌رسد، و از ظهور به رجعت می‌رسد این خون جوشی دارد که خاموش شدنی نیست؛

پیامبر فرمود ان لقت الحسین حرارتاً فی قلوب المؤمنین لا تبرتا ابدا، یعنی هیچ گاه این حرارت در دل‌های مؤمنان خاموش شدنی نیست؛ لذا هر سال مراسم عزاداری پر شورتر. امسال شرایط ما سخت است، کما اینکه شرایط ما سخت و دشوار بود؛ اما در عین حال مردم سعی می‌کنند، جداگانه سازی بین سلامت و بین مسأله عزاداری ایجاد نکنند.

چون عده‌ای برخی راه سلامت را در پیش می‌گیرند و عزاداری را فراموش می‌کنند؛ عده‌ای راه عزاداری را در پیش می‌گیرند، سلامت را فراموش می‌کنند.

می‌شود هم عزاداری کرد و هم سلامت را پاس داشت، با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی که مورد تأکید و سفارش است.

ان شاء الله امیدوارم که خدای متعال به همه ما این توفیق را عنایت فرماید که بتوانیم پاسدار خون ابی یاران عبدالله باشیم، و بر اساس آینده‌نگری آن حضرت برای خودمان آینده‌ای روشن بسازیم ، مسیر و سبک زندگی و راهی که برای خودمان ترسیم می‌کنیم تا ما را به آن مدینه فاضله برساند.



آیت الله سید احمد فاطمی، عضو فقهای شورای نگهبان و نماینده مجلس خبرگان (رهبری): ملت عاشورایی با فرهنگ عاشورا زنده است.

قرآن کریم می‌گوید نگاهتان به قصص انبیاء نگاه عبرت‌آموزی باشد، یعنی گذشته را آینه آینده بگیرید؛ این نامش نگاه تحلیلی است؛ این نامش نگاه جریان‌ی است؛ این دو نگاه.

در گذشته یعنی قبل از انقلاب طواغیت، رسانه‌های طاغوت، بیشتر یا درست تعبیر کنم فقط نگاه تاریخی را مطرح می‌کردند؛ سیدالشهدا چه زمان از مدینه حرکت کرد، چه زمان از مدینه به مکه آمد، چه زمانی از مکه به کربلا حرکت کرد، در بین راه چه حوادثی اتفاق افتاد، اصلاً منبر پسند آن‌ها این بود؛ اصلاً نامی از تحلیل نبود؛ نامی از بررسی این جریان و آن اینکه گذشته چه آموزش می‌دهد برای ما، برای آینده، اصلاً ترس داشتند، می‌ترسیدند، اگر منبری می‌آمد و در این عرصه صحبت می‌کرد، منبر او را تعطیل می‌کردند؛ اگر کتابی اینچنین تعبیر می‌کرد، این کتاب را قاچاق اعلام می‌کردند و به آن اجازه نصر نمی‌دادند. مرحوم آیت‌الله یزدی کتابی نوشت، حسین بن علی را بهتر بشناسیم، تحلیلی بود؛ این کتاب را مجوز ندادند، بعد از اینکه چاپ شد هم این کتاب قاچاق و جرم بود. «درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت» شهید هاشمی نژاد این کتاب را نوشته بود؛ این‌ها از این کتاب‌ها استقبال نمی‌کردند.

می‌خواهم عرض کنم که نگاه خود سیدالشهدا به نهضتش این است؛ نگاه جریان‌ی؛ این نهضت را که در گذشته اتفاق افتاده است، آینه برای آینده قرار دهید. مولی علی (ع) در نامه ۳۱ به فرزندش امام حسن فرمود، اسْتَدِلْ عَلٰی مَا لَمْ یَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ؛ گذشته را آینه آینده قرار بده.

نگاه امام راحل عظیم الشان از نهضت عاشورا این بود؛ در آستانه پیروزی انقلاب، امام این جمله بلند ملکوتی که این کلمه الهی بود، فرمود خون بر شمشیر پیروز است؛ این نگاه تحلیلی به نهضت سالار شهیدان ابی عبدالله الحسین (ع) بود؛ نگاه مقام معظم رهبری از نهضت عاشورا همین است؛ عبرت‌های عاشورا، تحلیلی دقیقاً آموزنده، چه شد؟ چه بلایی سر اسلام آمد؟ که نوه پیامبر درست تعبیر کنم، فرزند رسول الله را کشتند و همان‌هایی که در اذان و اقامه‌شان می‌گفتند اشهد ان محمد رسول الله سر بریده عزیز فاطمه پیش چشمشان بود؛ این دقیقاً عبرت است.

این دو نگاه، نگاه انقلاب، که انقلاب ما نمی‌از دریای نهضت سالار شهیدان است؛ نگاه امام راحل، نگاه مقام معظم رهبری نگاه تحلیلی است که ان‌شاءالله در این ایام آن را دنبال کنید.

آیت الله سید احمد فاطمی عضو فقهای شورای نگهبان در دومین برنامه از سلسله نشست های تخصصی «در مدرسه عاشورا» که از سوی مدیریت آموزش حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت به صورت مجازی برگزار شد، گفت: درباره نهضت سالار شهیدان، همانند دیگر نهضت‌ها دو نگاه می‌توان داشت؛

یک نگاه، نگاه تاریخی است که من این نگاه را نگاه جرقه می‌نامم؛ در این نگاه مسائل تاریخی مطرح است؛ اگر نام شخصیتی مطرح است، نامش، نام پدرش، تاریخ تولدش، تاریخ وفاتش، این‌ها مطرح می‌شود.

قرآن کریم این نگاه را نگاه مفید نمی‌داند: سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا (سوره کهف، آیه ۲۲)

قرآن می‌گوید در تحلیل داستان اصحاب کهف، برخی در این مسائل می‌روند که این‌ها چند نفر بودند؛ برخی می‌گویند سه نفر بودند، چهارمیشان سگشان بود، برخی می‌گویند پنج نفر بودند و ششمی سگشان بود، برخی می‌گویند هفت نفر بودند و هشتمی سگشان بود؛ خداوند می‌فرماید همه این‌ها رجماً بالغیب است؛ سخنی را بی دلیل، سخنی را بی مستند گفتن است. مهم هم نیست؛ حالا سه، چهار یا پنج نفر بودند. از این آیه شریفه استفاده می‌شود که در مسائل تاریخی خیلی به مسائل جزئی وارد نشوید؛

نگاه دوم نگاه تحلیلی است؛ من اسم آن را نگاه جریان‌ی می‌گذارم. نگاه قرآن در تحلیل مسائل تاریخی این است. در سوره یوسف آیه ۱۱۱، بعد از اینکه قصه حضرت یوسف به تفصیل گفته می‌شود، می‌داند در قرآن تنها پیامبری که یک جا قصه‌اش گفته شده است حضرت یوسف بوده است؛ بعد هم به پیامبران اشاره‌ای شده است، می‌فرماید لقد كان في قصصهم عبرت لأولي الالباب؛ درباره سرگذشت انبیاء نگاهتان نگاه جریان‌ی باشد؛ اصلاً عبرت به این معنا است؛ عبرت از ریشه عبور است؛ به عبارت، عبارت می‌گویند به این دلیل که معنا از این کانال می‌گذرد؛ به تعبیر خواب تعبیر گفته می‌شود، به این دلیل که حقایقی از این رهگذر نشان داده می‌شود؛ به عبرت هم عبرت گفته می‌شود، به معنای عبور هست، در گذشته نمانید، از گذشته به آینده عبور کنید؛ به اشک چشم عبره گفته می‌شود، چون دور چشم می‌گردد.





حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی
عضو هیئت علمی جامعه مصطفی العالمیه

ما ملت امام حسینیم



فرمود شجاعاً الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، شجاعت هر کسی به میزان بلند همتی اوست؛ یکی از خصوصیات انسان شجاع این است؛ بلند همت است؛ افق‌های برتر را می‌بیند.

ویژگی دوم انسان‌های شجاع این است که در مقابل جاهلان و نادانان با حلم و بردباری برخورد می‌کنند؛ امیرالمؤمنین فرمودند أَشَجَّ النَّاسُ مَنْ غَلَبَ الْجَهْلُ بِالْحِلْمِ، چقدر به امام حسین جسارت شد؟ چقدر به اصحابشان جسارت شد؟ شمر بعد از سخنرانی زهیر وقتی به توهین به او شروع کرد، امام حسین فرمود زهیر برگردد، با او حرف نزن؛ او بهیچ‌مانه است، انسان نیست یک حیوان است؛ با چه کسی حرف می‌زنی؟

امام حسین چقدر موعظه کرد؟ حتی با عمر سعد گفت‌وگو کرد؛ یعنی اتمام حجت کرد، او را مجاب کند؛ اشجع الناس من غلب الجهل بالحلم؛ شجاعترین مردم کسی است که جهالت دشمن را با حلم و بردباری پاسخ دهد؛ و این حلم و بردباری اهل بیت بود بویژه در دوران اسارتشان که خیلی‌ها را جذب کرد؛ مردم کوفه را جذب کرد و گریه انداخت.

ویژگی سوم انسان‌های شجاع در روایت این است که یک انسان شجاع هیچ‌گاه از حق عبور نمی‌کند؛ رسول خدا فرمود الا خبرکم باشدکم و اعواکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله؛ قال اشدکم و اقواکم الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی اثم و لا باطل، بگویم که شدیدترین و قوی‌ترین شما کیست؟ قالوا بلی یا رسول الله، گفتند بله؛ فرمود اشدکم و اقواکم، اذا رضی لم یدخل الرضا فی اثم و لا باطل، وقتی خشنود و سر حال است، قدرت دستش هست، توان دارد، گناه نمی‌کند و در باطل وارد نمی‌شود؛ از مرکب رضایت باطل را استفاده نمی‌کند.

اما وقتی غضبناک می‌شود، از قول حق خارج نمی‌شود، وقتی هم قدرت پیدا می‌کند، به چیزی که برای او نیست دست نمی‌آزد؛ این ویژگی انسان شجاع است. متعادل، منطقی و عاقل است؛ اینکه داریم لا اشجع من لیبیب، هیچ شجاعی به اندازه خردمند شجاعت ندارد، چون خرد پایه شجاعت است، شجاعت بی‌خرد خطر است؛ شجاعت بی‌اندیشه ضرر است.

و ویژگی دیگر انسان‌های شجاع را فرمود که صداقت است؛ لَوْ تَمَيَّزَتِ الْأَشْيَاءُ لَكَانَ الصِّدْقُ مَعَ الشُّجَاعَةِ، و كَانَ الْجَبْنَ مَعَ الْكَذِبِ؛ اگر اشیاء را جدا کنند، صدق زیر مجموعه شجاعت است و زیر مجموعه ترس، دروغ است؛ انسان شجاع و با شجاعت دروغ نمی‌گوید، نیازی به دروغ نمی‌بیند؛ دروغ حرفه عاجز است؛ دروغ و غیبت کار عاجز است.

مکتب ابی عبدالله و ملت امام حسین (ع) این ویژگی را دارد که این مکتب و این ملت شجاع هستند، در مقابل دشمن محکم هستند و استوار هستند، قوی هستند، مصداق این آیه هستند که إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ أَكْفَرُوا بِهِمْ أَلَمْ نُعْظِمْهُمُ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تَحْفَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشَرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.

حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی عضو هیئت علمی جامعه مصطفی العالمیه در اولین برنامه از سلسله نشست‌های تخصصی «در مدرسه عاشورا» که از سوی مدیریت آموزش حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت به صورت مجازی برگزار شد به موضوع «ما ملت امام حسینیم» پرداخت و گفت: شهید بزرگوار ما، شهید سلمانی فرمودند ما ملت امام حسین هستیم.

ویژگی‌های ملت امام حسین چیست؟ همان ویژگی‌های امام حسین و یارانش هست؛ اگر بخواهیم ملت ابی عبدالله باشیم؛ همانطور که آرزو می‌کنیم، یا لیتنا کنا معک، فافوض فوضاً عظیماً؛ همانطور که وقتی کربلا می‌رویم به اصحاب امام حسین (ع) می‌گوییم خوشا به حال شما یا انصار رسول الله، یا انصار امیر المؤمنین، جزو انصار الله و انصار امیرالمؤمنین و اهل بیت و پیامبر شدن یعنی اینکه خودمان را به ویژگی‌های آن‌ها نزدیک کنیم؛ کما اینکه در سوره فتح خدا ویژگی‌های اصحاب پیامبر را بیان کرد.

در برنامه قبل یکی از این ویژگی‌ها را اخلاص ذکر کردیم؛ ویژگی دومی که امروز مورد بحث ما است، شجاعت است.

یاران ابی عبدالله شجاع بودند، خود امام حسین (ع) شجاع بودند؛ شجاعت قوه غضبیه است که به طور عقلانی مدیریت می‌شود؛ اگر غضب در انسان نباشد شجاعت نیست؛ قوایی که خدا به انسان داده است روی حکمت است؛ یکی از این قوا غضب است؛ اگر غضب به عصبانیت و ناسزاگویی تبدیل شود خوب نیست؛ اما اگر تبدیل به شجاعت شود، این یک ارزش است.

امام حسین (ع) و ائمه اشجع الناس هستند؛ کما اینکه امام سجاد (ع) در آن خطبه‌ای که در شام خواندند فرمودند یکی از ویژگی‌های ما شجاعت است؛ يٰهَا النَّاسُ اَعْطِينَا سَبًا وَ فُضِّلْنَا بِسَبِّعٍ. اَعْطِينَا الْعِلْمَ وَ الْحِلْمَ وَ السَّمَاحَةَ وَ الْفَصَاحَةَ وَ الشُّجَاعَةَ وَ الْمَحَبَّةَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ فُضِّلْنَا بِأَنَّ مِنَّا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا وَ مِنَّا الصِّدِّيقَ وَ مِنَّا الطَّيَّارَ وَ مِنَّا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ وَ مِنَّا سَيِّطًا هَذِهِ الْأُمَّةُ، مِنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي أَنْبَأْتَهُ بِحَسْبِي وَ نَسْبِي. ما شش ویژگی داریم، فرمودند یکی خصوصیت شجاعت است.

در خصوصیات امام حسین هم دارد که وقتی سلام به امام زمان (عج) می‌دهیم، در سلامی که مرحوم خواجه نصیر نقل کرده است می‌گوییم الشجاعت الحسینیه؛ امام زمان از شجاعت حسینی بهره‌مند است، البته همه ائمه ما شجاع بودند، همه حلیم و کاظم و راضی به رضای الهی و جواد بودند، اما گاهی یک صفت بروز در یک امام بیشتر است.

برای مثال برای امام صادق صحنه جنگ پیش نیامده است، اگر می‌آمد او هم شجاع بود، شجاعت خود را نشان می‌داد؛ اما برای ابی عبدالله پیش آمده است که یک تنه در مقابل چند هزار نفر به میدان برود و طبیعتاً این شجاعت خودش را نشان می‌دهد.

شما یک مطالعه‌ای در تاریخ اصحاب را بفرمایید، برای مثال حبیب را ببینید که چه شجاعتی دارد، میدان می‌آید و فریاد می‌زند، سپاه دشمن، شما از ما بیشتر هستید، اکثر هستید، عده‌تان هم از ما بیشتر است، عده و عده شما از ما بیشتر است؛ منها و وَنَحْنُ أَوْفَى مِنْكُمْ وَأَصْبَرُ وَنَحْنُ أَعْلَى حَجَّةً وَأَظْهَرُ حَقًّا وَأَتَقَى مِنْكُمْ، وفای در ما و صبر در ما بیشتر است.

عابس را ببینید که به میدان می‌آید و می‌گوید وقت آن آمد که من عریان شوم، جسم بگذارم، سراسر جان شوم؛ زره خود را می‌کند و می‌گوید که من ترس ندارم؛ این شجاعت در اهل بیت ما و اصحاب آن، معروف است که امیر المؤمنین یک اسب معمولی داشتند که خیلی تندرو نبود؛ برای جنگ که می‌آمدند؛ و زرهی که فقط جلوش زره بود و پشتش باز بود؛ به تعبیر امروزی پیش بندی داشت.

وقتی از ایشان سؤال شد، فرمودند من که به دشمن پشت نمی‌کنم پس زره من پشت نمی‌خواهد و دوم اینکه من از جنگ فرار نمی‌کنم که اسب تندرو بخواهم، اسب تندرو برای کسی است که بخواهد از میدان جنگ بگریزد، چون گریز و پشت به دشمن کردن در من نیست، پس نه نیاز به زرهی دارم که پشت داشته باشم و نه نیاز به اسبی دارم که تندرو باشد.

البته شجاعت که البته صحیحش شجاعت است، اینطور نیست که الزاماً فقط به میدان جنگ باشد؛ انسان‌های شجاع، خصوصیت‌های دارند، یکی از آن‌ها این است که بلند همت هستند، امیرالمؤمنین

